

زندان‌های انتفاعی

لئونارد دل. کاویز

دولتی که هیچ منفعت مالی در نظر ندارد، و انگیزه‌اش فقط احقاق حقوق شخصی و اجتماعی است، بر چگونگی رسیدن به اهداف زندان و محبس، نظارت و سرکشی مستقیم و همیشگی خواهد داشت.

کار ارزان

در نیمه دوم قرن نوزدهم، در عصر صنعتی شدن برق آسای دنیای غرب، سازمان جدید زندان پدید آمد. پیمان‌کاران خصوصی کار زندانیان را منبع درآمدی بالقوه سودآور می‌دانستند. این کار ارزان بود و سرمایه‌دار هم مسئولیت چندانی برای تأمین رفاه زندانیان کارگر نداشت. در نتیجه کارگاه‌های زندان مجهز شدند و شرکت‌های ذی‌نفع زندانیان را آموزش دادند. پیمان‌کاران از این کار کم‌خرج سود می‌بردند و خود زندان‌ها هم از طریق قراردادهای مشترکی که با پیمان‌کاران خصوصی می‌بستند، بهره اقتصادی می‌بردند. البته بهره‌کشی و سوءاستفاده از زندانیان هم رایج بود. در فرانسه زندگی زندانیان و شرایط کارشان اسفبار بود و مأموران دولتی هم به ندرت به آنها سرکشی می‌کردند. در آلمان، بسیاری از پیمان‌کاران قوت بخور و نمیری از ارزان‌ترین خوراکی‌ها به زندانیان می‌دادند. در ایالات متحد مدیران رشوه‌خوار زندان‌ها، طوری با پیمان‌کاران قرارداد می‌بستند که زندانیان هیچ مزدی برای کارشان دریافت نکنند.

دولت‌ها در مجموع مسئولیت زندانی کردن افراد و اعاده حیثیت به زندانیان را برای خود نگاه داشتند، چون اجرای مجازات آن‌قدر عملکرد مهمی برای دولت به حساب می‌آمد که نمی‌شد آن را به مؤسسه‌های خصوصی واگذار کرد. از موضع‌گیری سال ۱۹۸۶ کانون وکلای امریکا درباره‌ی خصوصی کردن زندان‌ها مدت زیادی نگذشته است. استدلال آنها این بود که زندانی کردن از کارکردهای انفکاک‌ناپذیر دولت است و اگر بخش خصوصی اجازه یابد که شرایط زندان و تاحدی مدت آن را تنظیم کند، بیم آن می‌رود که دولت در یکی از وظایف اخلاقی مهم خود کوتاهی کند.

خصوصی‌سازی: حامیان و مخالفان

حامیان خصوصی‌سازی چنین پاسخ می‌دهند که دولت باید حق نظارت و سرپرستی خود را بر زندان‌ها حفظ کند. مثلاً دادگاه باید به بازبینی تمام حکم‌هایی بپردازد که زندان درباره‌ی محدود کردن یا اعطای حقوقی صادر می‌کند که به قانون اساسی یا قوانین دیگر مربوط می‌شوند، یا درباره‌ی رد یا پذیرش آزادی

در عصر جدید فقط از دهه هشتاد به بعد شرکت‌های انتفاعی درصدد برآمده‌اند که اداره کامل سازمان زندان‌ها را به دست گیرند. بخش خصوصی از مدت‌ها قبل در اداره اجزای مختلف سازمان زندان‌ها، مانند تدارک غذا، صنایع و تسهیلات مراکز بازپروری و برنامه‌های عام‌المنفعه همکاری می‌کرده است. اما فقط اخیراً و آن هم بیشتر در ایالات متحد و اروپا مؤسسات دولتی به این فکر افتاده‌اند که مدیریت و اداره کامل سازمان بازپروری استانی یا محلی را به پیمان‌کاران خصوصی بسپارند.

مفهوم واگذاری زندان‌ها به بخش خصوصی موضوع بحث‌های دامنه‌داری شده است. حامیان آن استدلال می‌کنند که پیمان‌کاران خصوصی، می‌توانند زندان‌های بزرگ را سریع‌تر بسازند و جمعیت زندانیان را که عموماً در حال افزایش است، جا و مکان بخشند. آنها همچنین استدلال می‌کنند که بخش خصوصی درگیر کاغذبازی نیست، مسئله‌ای که اشکال اساسی دستگاه‌های دولتی در عملکرد کارآمد است. شرکت‌های خصوصی جمع و جورترند و در برابر نیازهای روزافزون، انعطاف‌پذیری بیشتری دارند.

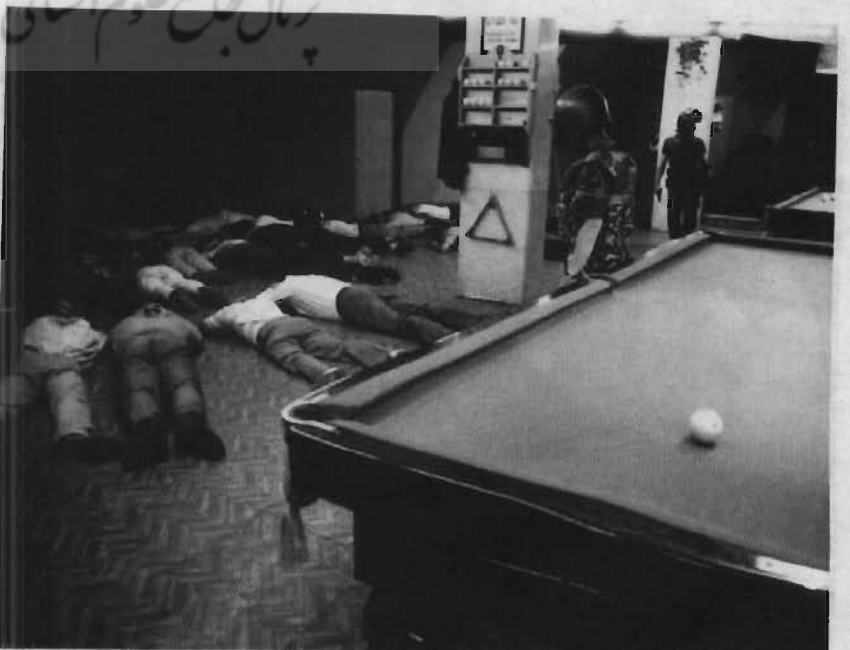
مخالفان خصوصی کردن زندان‌ها استدلال می‌کنند که جرم، مسئله شخصی نیست که فقط بین خلافکار و زندان‌باننش مطرح باشد بلکه موضوعی است که به تمام جامعه مربوط می‌شود. اگر قرار است از منافع جامعه و حقوق اشخاص محافظت شود، «دولت مردم» موظف است تضمین کند که مؤسسه‌ای

حمله ناگهانی پلیس

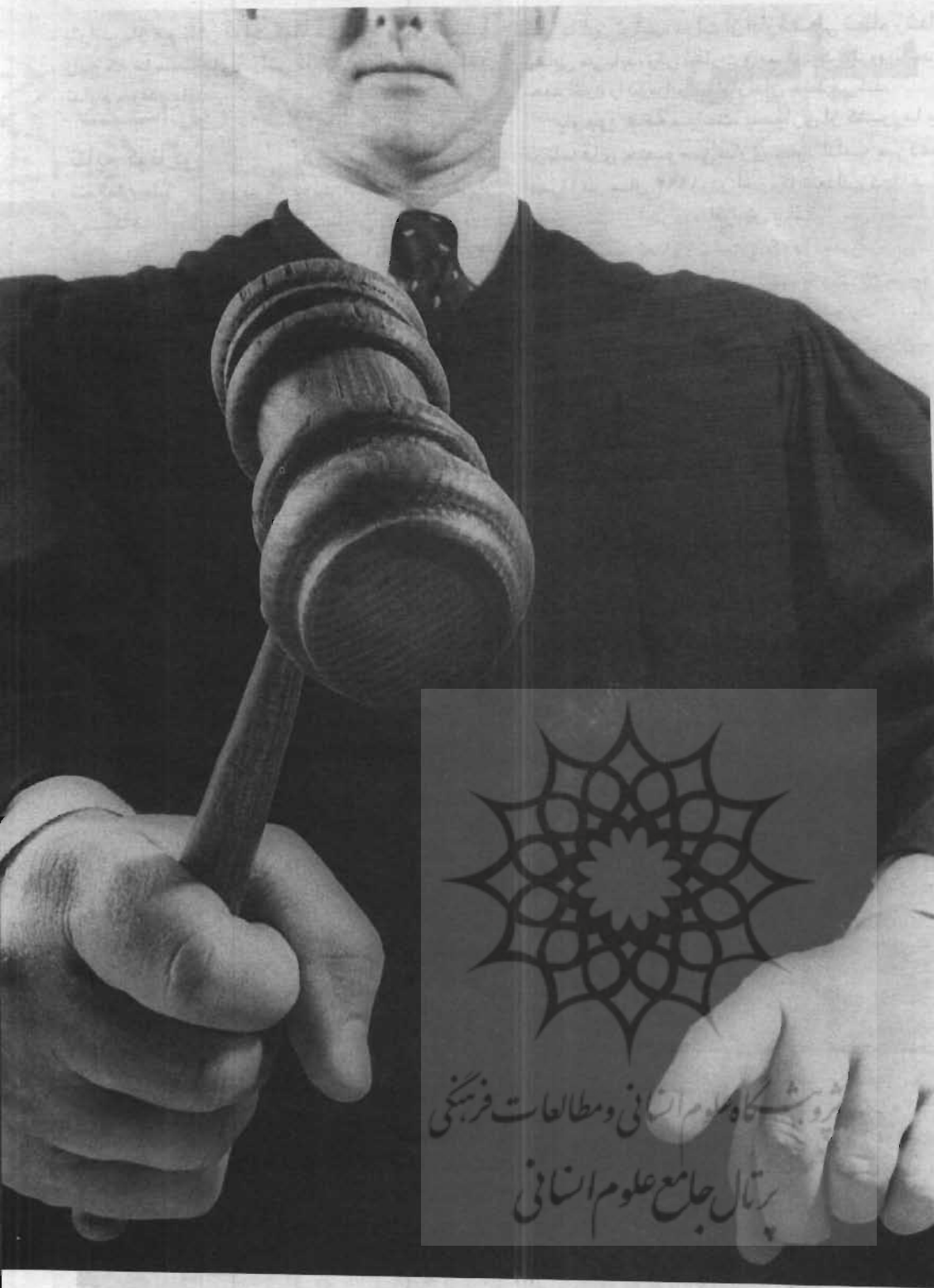
به یک سالن بلیارد

در مسکو به زدو خورد

گانگسترها خاتمه می‌دهد.



بخش خصوصی
شمار روزافزونی
از زندان‌ها را
در اروپا
و ایالات متحد
اداره می‌کند - و
این موضوع
بحث‌های بسیاری
را برانگیخته است



چکش، نماد قدرت قاضی در ایالات متحد آمریکا.

کشورها به‌نحو چشمگیری افزایش می‌یابد. رویکردهای انسان‌دوستانه و دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه دربارهٔ زندان روزبه‌روز کم‌اثرتر می‌شوند و درحالی‌که بزه‌کاری در سرتاسر جهان افزایش می‌یابد، الگوهای تلافی‌جویانه و منفعل‌کننده دربارهٔ مجازات زیادتر می‌شوند. بنابراین در بحث خصوصی‌سازی دیگر مسئله این نیست که آیا بخش خصوصی می‌تواند اهداف بازپروری و اجتماعی نظام زندان را زیاد کند یا نه، بلکه این است که آیا بخش خصوصی می‌تواند زندانیان را جا و مکان دهد و با همان کارآمدی دولت مجازات‌ها را اجرا کند؟ اگر

مشروط، یا عفو برای اخلاق خوب، تصمیم می‌گیرند. تفویض همهٔ اختیارات به بخش خصوصی به اقتدار دولت لطمه می‌زند. از طرف دیگر انتظار اینکه دولت حقوق‌بگیر استخدام کند و همهٔ زندان‌ها را خودش اداره کند نیز نوعی عقب‌نشینی در برابر نمادگرایی است.

اکنون ما شاهد کاهش نقش دولت هستیم. اختیارات و برنامه‌های نظارتی دولت، به‌خصوص در بخش اجتماعی، با کمبود بودجه و در بیشتر موارد با حذف بودجه رو به‌رو هستند. درعین حال، برنامه‌های بازپروری اجتماعی کاهش و جمعیت زندانیان اغل

بتواند، باز هم نقش دولت کمتر می‌شود و این اندیشه رایج که مؤسسه‌های دولتی نالایق و پایین دست‌اند تداوم خواهد یافت.

نتایج گوناگون

مخالفان دلیل می‌آورند که دولت هنوز در خیلی از زمینه‌ها، مثل بهداشت همگانی، نظام کیفری دادگستری، محیط زیست، امنیت و رفاه اجتماعی نقش اساسی دارد. با نظارت بخش خصوصی این خطر رخ می‌نماید که زندانیان که از قدیم جزء فراموش شده‌ترین افراد اجتماع بوده‌اند، به خاطر منفعت مالی مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار گیرند. نگرانی‌های موجود در مورد گسترش نوعی «مجتمع صنعتی جزایی»، ممکن است به نیرویی سیاسی مبدل شود و بر آهنگ زندانی شدن افراد، مدت و شرایط حبس، براساس انگیزه منفعت مالی و نه براساس مصالح جامعه، تأثیر بگذارد.

از جنبه قانونگذاری، مسئله این است که آیا نظارت بخش خصوصی، شکل قابل‌قبولی از تفویض نظام قانونی، یا حق قانونگذاری به وجود می‌آورد یا نه. مشکل می‌توان نظارت‌کننده شخصی را قانونگذار بی‌غرضی به حساب آورد، چون همیشه و در هر قانونی چشمداشت به دست آوردن سود، دلیل منطقی غالب خواهد بود. یکی از حالت‌های بینابین آن است که مؤسسه‌ای دولتی، احکام مجازات زندان را برای مطابقت با قانون اساسی یا قوانین حاکم دیگر بازبینی

کند. به این ترتیب، دولت از اداره فعلی نظام زندان رهایی می‌یابد، ولی نظارت و مسئولیت کلی و تاحدی تعهد خود را در برابر نظام زندان حفظ می‌کند.

با وجود همه مباحث، بسیاری از کشورها به برنامه‌های خصوصی‌سازی خود ادامه می‌دهند. صرفاً در سال ۱۹۹۴، در آمریکا تعداد زندان‌های خصوصی ۲۰ درصد افزایش یافت. اکنون فقط در ایالات متحد، تعداد زندانیانی که در چنین زندان‌هایی هستند، ۳۰،۰۰۰ نفر است. با اینکه بزرگترین طرح‌های از این دست در ایالات متحد است، کشورهای دیگری مانند فرانسه، استرالیا و بریتانیا هم زندان‌های خصوصی باز کرده‌اند. اگرچه معمولاً به نظر می‌رسد امکانات مادی چنین زندان‌هایی بهتر باشد، با در نظر گرفتن کیفیت غذا، برنامه‌های آموزشی و به‌طور کلی اینکه زندانیان باید فرصت آن را بیابند که به فعالیت‌های هدفمند بپردازند، نتایج متفاوتی به دست می‌آید. شرکت‌های خصوصی در پی سود بیشتر هستند و تمام برآوردها نشان می‌دهد که آینده خصوصی‌سازی زندان‌ها، از نظر اقتصادی، درخشان است؛ ولی قضاوت درباره اینکه آیا خصوصی‌سازی اهداف اجتماعی زندان را بهبود می‌بخشد یا نه، به آینده بستگی دارد.

* در قرون وسطا و تا همین قرن نوزدهم بسیاری از زندان‌ها در اروپا به‌طور خصوصی اداره می‌شدند. یادداشت نویسنده.

خدمات غذایی یکی از اولین وظایفی بود که به بخش خصوصی واگذار شد. تصویر زیر، سینی‌های غذا در بازداشتگاه نوجوانان در شاتودان (فرانسه).

